



بایسته‌ها و خواسته‌های مدنی در اشعار ملک‌الشعرا بهار و نمود آن در گردشگری فرهنگی

علیرضا رستمی قادی^۱، احمد کریمی^{۲*}، کوروس کریم پسندی^۳، اصغر عباسی^۴

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Alirzarostamighadi@gmail.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. karimi@iauc.ac.ir

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. D.karimpasandi@iauc.ac.ir

^۴ استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. D.rabbasi191@gmail.com

چکیده

حقوق شهروندی و مدنی مجموعه‌ای از حقوق عمومی است که به شهروندان یک کشور با در نظر گرفتن دو اصل کرامت انسانی و عدالت تعلق می‌گیرد. آثار ادبی در هر دوره تاریخی بیان‌کننده نگرش‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های یک قوم می‌باشند و خواسته‌های مدنی یکی از آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی است که کم و بیش در این آثار دیده می‌شود. ملک‌الشعرا بهار یکی از شاعران مهم و تأثیرگذار در ادبیات دوره مشروطه و پهلوی اول می‌باشد. اهمیت این جستار در بررسی موشکافانه شاخص‌های خواسته‌های مدنی در دیوان اشعار بهار است که می‌تواند در تبیین الگوهای مناسب برای حاکمان مؤثر باشد و همه اقشار جامعه را نسبت به شناخت حقوق و تکالیف خود آشنا سازد. مطالبه حقوق شهروندی در ایران از دوره مشروطه به شکل جدی آغاز شد و ملک‌الشعرا بهار در کنار دیگر شاعران آن زمان، این خواسته‌ها را در اشعار خود انعکاس داده است. این پژوهش با هدف بررسی برجسته‌ترین خواسته‌های مدنی در اشعار محمدتقی بهار و نمود آن در گردشگری فرهنگی به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌ترین خواسته‌های مدنی در دیوان بهار یعنی آزادی، عدالت و حقوق زنان در کنار دیگر مقوله‌ها نظیر رفاه اجتماعی، رفاه اقتصادی، بخشش، علم‌آموزی، امنیت و ... بیانگر اندیشه حق‌جویانه‌ی ملک‌الشعرا می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی آشنایی ملک‌الشعرا بهار با منشور حقوق شهروندی.
۲. بررسی اهمیت حقوق شهروندی در رونق گردشگری فرهنگی.

سؤالات پژوهش:

۱. آیا ملک‌الشعرا بهار با منشور حقوق شهروندی آشنا بود؟
۲. رعایت حقوق شهروندی چه نقشی می‌تواند در توسعه گردشگری فرهنگی داشته باشد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۳۹۵ الی ۴۱۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

شعر بهار، حقوق مدنی، عدالت، آزادی، گردشگری فرهنگی.

ارجاع به این مقاله

رستمی قادی، علیرضا، کریمی، احمد، کریم پسندی، کوروس، عباسی، اصغر. (۱۴۰۲). بایسته‌ها و خواسته‌های مدنی در اشعار ملک‌الشعرا بهار و نمود آن در گردشگری فرهنگی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۳۹۵-۴۱۲.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.24.3](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.24.3)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.314624.1795

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری/ پایان نامه "علیرضا رستمی قادی" با عنوان "حقوق و تکالیف شهروندی در اشعار ملک‌الشعرا بهار" است که به راهنمایی دکتر "دکتر احمد کریمی" و مشاوره دکتر "کوروس کریم پسندی" و دکتر "اصغر عباسی" در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "چالوس" ارائه شده است.

مقدمه

حقوق شهروندی زائیده زندگی اجتماعی است؛ به عبارت دیگر آن بخش از خواسته‌های مدنی که جزء حقوق و مطالبات فردی است، نظیر آزادی، عدالت‌طلبی، رفاه اجتماعی، امنیت و ... هنگامی معنا می‌یابد که افراد در کنش و واکنش با هم قرار گیرند. به همین دلیل این حقوق در زندگی شهری که از مظاهر زندگی اجتماعی است بروز و ظهور می‌یابد. ادبیات به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و محکم‌ترین ارکان فرهنگی هر کشور همواره در تلاش برای آگاه‌سازی مردم جامعه خود دارد. در عصر مشروطه، غالب مفاهیم ادبی به مسائل اجتماعی و سیاسی مشروطه‌خواهان می‌پرداخت و در این میان ملک‌الشعرا بهار یکی از پیشروان این عرصه بود که با پرداختن به مقوله حقوق فردی و اجتماعی، خواسته‌های مدنی شهروندان را در اشعار خود بیان می‌کرد. در این پژوهش به سبب مجال اندک، به برجسته‌ترین خواسته‌های مدنی در اشعار بهار یعنی آزادی، عدالت و حقوق زنان پرداخته شده است.

به‌دنبال دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی در جهان و تأثیر آن بر ادبیات، نگرش و اندیشه‌های نوین وارد ادبیات ایران شد. «فکر مشروطه به شاعران و نویسندگان این عصر نگاهی نو و کاملاً متفاوت بخشید و ادبیات فارسی را که در بند سنن و کلیشه‌ها محصور مانده بود و در باتلاق بازگشت ادبی دست و پا می‌زد با افق‌های تازه آشنا ساخت» (مصفا و سعادت، ۱۳۹۲: ۳). «انقلاب مشروطیت ایران از لحاظ دارابودن شعرای عصر خود، بی‌تردید در ردیف نخستین انقلاب‌های جهان قرار دارد. منظور ما از شاعران عصر مشروطیت به‌طور کلی تمامی گویندگانی هستند که در دوره‌های مختلف انقلاب، اشعاری با محتوای سیاسی و اجتماعی سروده‌اند یا به گونه‌ای اشعارشان از فضای عصر آزادی و مشروطه‌خواهی و ارزش‌ها و آرمان‌های آن دوره تأثیر پذیرفته است» (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۲). به بیانی دیگر، ادبیات مشروطه به‌عنوان پرچمدار آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و تحقق حقوق مدنی و شهروندی تلاش کرد تا بتواند این خواسته‌ها را از حاکمان و قانون‌مداران مطالبه کند.

حقوق شهروندی و مدنی یکی از مهم‌ترین حقوق‌های انسانی به‌شمار می‌رود که به چگونگی روابط مردم، حکومت دولت و نهادهای حکومتی و حقوق آنان نسبت به یکدیگر می‌پردازد. واژه شهروند به‌عنوان مفهومی نوپا در جوامع حقوقی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای مختلف، اغلب به اهل شهر یا یک کشور اطلاق می‌شود. این معنا در فرهنگ‌نامه‌های ایران نظیر لغت‌نامه دهخدا، حییم، فرهنگ روز سخن و فرهنگ فارسی امروز، وجود دارد. هم‌چنین در تعریفی دیگر از این واژه آمده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (اکبری، ۱۳۹۵: ۸۴). باید دانست این واژه ریشه‌ای یونانی دارد و به کسانی گفته می‌شد که در دولت شهر یونانیان «به دلیل سکونت در شهر دارای حقوق سیاسی بودند» (صالحیان، ۱۳۹۰: سایت نشریه طنین غرب). کلمه شهروند از زمان مشروطه به تدریج وارد زبان اجتماعی، حقوقی و سیاسی ایران شد. «درواقع این واژه «شهربند» بوده به معنای کسی که به شهر بند است. در اثر گذشت زمان این بند به «وند» تبدیل شده است و نیز گفته می‌شود که «ی» موجود در شهروندی یعنی هر چیز مربوط به شهروند مانند حقوق شهروندی، وظایف شهروندی و...» (رضایی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۹). تا

پیش از مشروطه واژه «رعیت» از نظر مفهومی هم‌ردیف شهروند به کار می‌رفت که امروز بار معنایی آن تغییر یافته است. «رعیت به معنای مسئولیت حاکم در برابر مردم، در زبان عربی بار مثبتی دارد، اما در نظام‌های سیاسی امروز، معنای منفی به ذهن آید. رعیت را در زبان فارسی به گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می‌کنند، و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور، معنا کرده‌اند. به کار بردن این واژه، شنونده را به یاد نظام‌های ارباب و رعیتی می‌اندازد» (ممتاز، ۱۳۷۷: ۸۹). بنابراین فردی که در یک کشور ساکن می‌شود بالطبع از حقوق و مزایایی بهره‌مند می‌گردد؛ چراکه یکی از تعاریف شهروندی نیز همین را می‌گوید: «کسی که از حقوق یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۱۸). حقوق و خواسته‌های شهروندی و مدنی در واقع مجموعه حقوق و خواسته‌هایی است که براساس دو اصل کرامت انسانی و عدالت به افراد تعلق می‌گیرد. این مفهوم گسترده «شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی می‌باشد که چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌کند که منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و به‌منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۷۲-۳۷۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اساس حقوق شهروندی بر پایه سکونت افراد در یک کشور بدون در نظر گرفتن دین و قومیت آنان است. «یعنی تمامی افرادی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، تحت شمول حقوق شهروندی و بشری قرار می‌گیرند، از این رهگذر بر نوعی همگونی و علقه‌های اجتماعی-فرهنگی اصرار می‌شود که دیگران از عوامل وحدت‌بخش و مزایای آن بهره‌مند نمی‌شوند» (مهرپور، ۱۳۷۴: ۵۷). قانون‌گرایی، دادگری، برابری، رفاه و امنیت عمومی، آزادی، نیکوکاری، حفظ حقوق زنان، صلح و ... از مهم‌ترین شاخصه‌های حقوق شهروندی و مدنی به‌شمار می‌روند.

در ضرورت این پژوهش باید گفت که ملک‌الشعرا بهار یکی از شاعران مهم و تأثیرگذار در ادبیات دوره مشروطه و پهلوی اول و از چهره‌های برجسته در میان ادب دوستان، جامعه‌شناسان، سیاست‌مداران و حتی مردم عادی می‌باشد. حقوق شهروندی از بخش‌های برجسته و مهم ادبیات دوره‌های مختلف به‌ویژه عصر مشروطه می‌باشد. اگرچه این موضوع از مباحث روز ایران و جهان است، لکن به‌نظر می‌رسد هنوز به‌صورت جدی موردتوجه پژوهش‌گران داخلی قرار نگرفته است. تاکنون چند مقاله در باب حقوق شهروندی نوشته شد که به‌طور عمده در مورد آثار سعدی می‌باشد. غلامحسین یوسفی (۱۳۸۹) در «جهان مطلوب سعدی» افکار سعدی در مورد حقوق شهروندی را شرح می‌دهد. نورعلی مظاهری (۱۳۸۷) در مقاله «حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی» و سیاوش حق‌جو (۱۳۸۱) در مقاله «حکمت سیاسی سعدی» به مسایل مرتبط با حقوق شهروندی در اندیشه‌های سعدی می‌پردازند. رضا آزادپور در مقاله «رعایت حقوق اجتماعی» و هم‌چنین معصومه ذوقی کودهی (۱۳۹۵) نیز در مقاله «حقوق شهروندی در بوستان سعدی» به مباحث حقوق شهروندی و مدنی در گلستان و بوستان سعدی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی جامع پیرامون خواسته‌های مدنی در اشعار بهار صورت نگرفته است.

از نظر روش و ماهیت، این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه‌ای، دیوان شاعر، مجله‌های ادبی یادنامه‌ها با تکیه بر تحلیل محتوا است. جامعه آماری، دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار شامل قالب‌های متنوع ادبی می‌باشد که به‌صورت اسنادی به آن‌ها پرداخته شد. سپس با مطالعه منابع حقوق عمومی و شهروندی مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت به طریق منطقی و استدلالی دسته‌بندی و تحلیل گردید.

۱. بررسی محتوایی اشعار

در اشعار ملک‌الشعرا بهار بسیاری از مبانی حقوق شهروندی و خواسته‌های مدنی وجود دارد که برخی از آنان عبارت‌اند از: رفاه و امنیت اقتصادی، حقوق سالخوردگان، اشتغال، حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، تأسیس کارخانه‌ها و اماکن ورزشی، احترام به ادیان و اقوام، حفظ تمامیت ارضی و... لکن در این مجال سه مقوله برجسته خواسته‌های مدنی یعنی آزادی، عدالت و مسایل زنان بحث بررسی می‌شود.

۱/۱. آزادی

آزادی یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های اصلی در شعر مشروطه و مترادف با مفهوم دموکراسی غربی شامل آزادی‌های عمومی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد. «دو واژه آزادی و استبداد واژه‌هایی هستند که صور متعده خیال را در شعر این دوره برانگیخته‌اند. لفظ آزادی در شعر مشروطه عمدتاً مترادف است با آنچه که در نظام سیاسی دموکراسی غربی در قرن نوزدهم مطرح بوده اس.» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۳۹ - ۲۳۸). محمدتقی بهار ضمن آن‌که نگاه ویژه‌ای به مفهوم آزادی‌های عمومی دارد، آن را جدای از آزادی در شعر قدما می‌داند. وی ضمن ستایش آزادی، آن را هم‌چون معشوقی می‌داند که عاشق همواره به‌دنبال اوست. قرارگرفتن آزادی در قصاید بهار به‌عنوان درون‌مایه اصلی بیان‌کننده این ادعاست. «اگر دو نهنگ شط شعر بهار را بخواهیم صید کنیم یکی مسأله وطن و دیگری آزادی، بهترین ستایش‌ها از آزادی در آثار بهار وجود دارد و زیباترین ستایش‌ها از مفهوم وطن باز هم در دیوان او به چشم می‌خورد. بهار به سبب آگاهی وسیعی که از گذشته ایران در او بود، بهترین مدیحه سرای آزادی و وطن است، وطن پرستی در حدّ اعلای آن» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۴ - ۳۶).

بهار در قصیده‌ای انتقادآمیز خطاب به حکومت رضاخان از نبود آزادی شکوه می‌کند:

آزادی و حکومت ملی شهید توست ای مادر وطن ز توگریان چه گونه‌ای؟

ز افراط کاری تو شد آزادی از میان ای یگه‌تاز عرصه میدان چه گونه‌ای؟

(بهار، ۱۳۹۴: ۱ / ۶۰۲)

ملک‌الشعرا که در روزگار جوانی به آزادی‌خواهان و حزب دموکرات پیوست یکی از پیشروان عرصه آزادی‌طلبی لقب گرفت. «مردی که نیاز بزرگ ملت خویش را آزادی و قانون می‌دانست» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۴۵۶). شاعر فرهیخته، آزادی و اصلاح امور جامعه را برای پیشرفت لازم و ضروری می‌دانست:

آزادی و اصلاح بود لازم و واجب مشروطیت از ما نکند دفع معایب

(بهار، ۱۳۹۴: ۱ / ۳۶۳)

بعضی معتقدند که منظور بهار از آزادی فقط استقلال سیاسی است: «استقلال و رهایی از نفوذ دولت‌های بیگانه و استعمارگر. استقلالی که فقط با ایجاد دولت مستقل مقتدر ملی، دست یافتنی بود» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۷). ولی با بررسی بیشتر در اشعار وی به نظر می‌رسد که مفهوم آزادی در شعر او فراتر از استقلال سیاسی است و مفاهیمی چون آزادی‌های عمومی و حاکمیت حقوق شهروندی را نیز شامل می‌شود. از نظر بهار، دولت مستقل و مقتدر ملی باید بتواند از منافع ملی و وحدت و یکپارچگی کشور، مردم و منابع آن محافظت نماید. ملک‌الشعرا به‌دست آوردن آزادی را حتی به قیمت جان دادن واجب می‌داند.

ما باده عزت و جلالت نوشیم در راه شرف از دل و از جان کوشیم

گر در صف رزم جامه از خون پوشیم آزادی را به بندگی نفروشیم

(بهار، ۱۳۶۸: ۲ / ۱۲۹۲)

بهار، آزادی مبتنی بر حقوق مدنی و قانونی را سبب عظمت کشور و مردم و گسترش رفاه، علم و دانش قلمداد می‌کرد. ملک‌الشعرا داشتن آزادی را در عین تنگ‌دستی بسیار شادی بخش می‌دانست که این نشان‌دهنده اهمیت مقام آزادی نزد صاحبان اندیشه و سخن است.

هر چند گرفتارم، آزادم، آزاد هر چند تهی دستم، خرسندم، خرسند

(بهار، ۱۳۹۴: ۱ / ۵۵۴)

شاعر در سال ۱۳۰۴ هنگام تأسیس حکومت پهلوی به رضاخان می‌گوید که شادی مردم در آزادی آنان است پس نسبت به وعده‌های خود در باب آزادی عمل کن.

ملت و دل شاهی‌اش هست در آزادی‌اش ره چو نشان دادی‌اش سخت مگردان غپان

(همان: ۱ / ۳۷۴)

از نظر بهار، ارزش‌های انسانی زمانی مصداق و مفهوم می‌یابند که آزادی در میان ملت نهادینه شود.

معنی صدق و وفا و شرم در آزادی است ای بهار آزاد باش و هر چه می‌خواهی بگوی

(همان: ۱ / ۴۰۸)

بندگی را نیافتم قدری تا ز آزادگی شدم آگاه

(بهار، ۱۳۶۸: ۴۱۶/۲)

مهم‌ترین مفاهیم آزادی در اشعار بهار عبارت‌اند از:

آزادی فکر و اندیشه: آزادی فکر به معنی عام کلمه به مجموع فعالیت‌های ذهنی و معنوی گفته می‌شود که به شکل‌های مختلف بیان می‌شوند. فکر انسان تحت تأثیر عوامل مختلف خارجی از قبیل شرایط سیاسی و اجتماعی رشد می‌کند، در میان مردم انتشار و ترویج داده می‌شود و جامعه را متأثر می‌کند. بنابراین باید برای جریان آزاد افکار و عقاید، قوانینی وضع شود تا افراد بتوانند ضمن بهره بردن از آن، خواسته‌های مدنی خود را مطرح کنند. بهار نیز آزادی اندیشه و قلم را همراه هم می‌داند و آن را از اصول مهم حقوق شهروندان تلقی می‌کند و خود را منادی آزادی فکر در دوره قاجار و پهلوی می‌نامد.

در ساحت این زمانه تار رحم از دل من فکند سایه
حریت و انقلاب افکار ازگفته من گرفت مایه

(بهار، ۱۳۶۸: ۵۷۳/۱)

آزادی شخصی: آزادی شخصی، که آن را آزادی مطلق و آزادی تن نیز می‌نامند یکی از مهم‌ترین حقوق و خواسته فردی و بدین معنی است که فرد در رفت و آمد، اختیار سکونت در داخل یا خارج از کشور و هم‌چنین در زندگی و روابط خصوصی آزاد و از هرگونه تجاوز نسبت به جان، مال، خانه و زندگی خود در امان باشد. هر انسانی حق دارد آن‌گونه که می‌پسندد و در هر کجا که می‌خواهد زندگی کند مشروط بر این که با قوانین کشور منافات نداشته باشد. آزادی شخصی، اساس همه حقوق و آزادی‌هاست؛ زیرا وقتی انسان آزادی و امنیت نداشته باشد، استفاده از سایر حقوق‌ها مفهومی برای او نخواهد داشت. بهار در این باره می‌گوید:

مشو خویشتن بنده در زندگی مکن پیش همچون خودی بندگی

(همان: ۱۱۱۶/۲)

آزادی انتخاب و حق رأی: بهار نسبت به حق آزادی در انتخاب تأکید داشت. امری که یکی از اصول دموکراسی و از خواسته‌های مدنی است. مردم باید بتوانند به صورت آزاد برای تعیین سرنوشت خود و کشورشان تصمیم‌گیری نمایند. این آزادی امروزه در انتخاب اعضای شورای روستا یا شهر، انتخاب نمایندگان مجلس و انتخاب رئیس جمهور به چشم می‌آید. بهار با چنین دیدگاهی انتخاب رضاخان توسط دولت متجاوز بریتانیا را محکوم می‌کند و انتخاب والی و حاکم کشور را حق مدنی مردم می‌داند.

شاهی که بس به مردی خود افتخار کرد همچون زنان ز هیبت دشمن فرار کرد

نقشی شگرف بافت بریتانیا به ملک
و این خلق را ز بازی خود تار و مار کرد
ز اصطبل روس نره خری را برون کشید
و او را به دوش مردم ایران سوار کرد
سی و دو سال بود کم از امتیاز نفت
افزود شصت سال و درش استوار کرد
(بهار، ۱۳۶۸: ۱۲۳۳/۲)

یکی از اصول حفظ آزادی انتخاب، برگزاری انتخابات آزاد، قانونی و به دور از هر نوع انتخابات فرمایشی است، لذا بهار به نحوه برگزاری انتخابات توسط دولت پهلوی انتقاد داشت و آن را مغایر با حق انتخاب افراد براساس حقوق عامه مردم می‌دانست.

رای‌هایی را که دولت بنوشت و در شهر کرد
مردم را با زجر به دادن وادار
گر چه کس رای نداده است ولی از صندوق
خود بخود رای برون آمد پنجاه هزار
(بهار، ۱۳۹۴: ۴۷۴/۱)

آزادی رفت و آمد: آزادی رفت و آمد نتیجه امنیت و آزادی شخصی و از خواسته‌های مهم مدنی است و مفهوم آن این است که شخص می‌تواند هر وقت بخواهد در داخل یک کشور رفت و آمد نماید و یا هر موقع بخواهد کشوری را ترک کند. آمد و شد یکی از نیازهای مهم هر جامعه است و هیچ کشوری نمی‌تواند مرزهای خود را به روی خارج ببندد. ماده ۱۳ اعلامیه حقوق جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند و هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد.» (طباطبایی مؤتمن، ۱۳۸۸: ۴۱). بهار ضمن اشاره به این حق، خود را در دوره رضاخان محدود می‌دید:

نه اجازت که شغل آغازم
نه کزین مملکت برون تازم
(بهار، ۱۳۶۸: ۸۳۶/۲)

آزادی شغل: آزادی در انتخاب شغل نیز یکی از نتایج آزادی شخصی، آزادی اقتصادی و از اقسام حقوق اجتماعی مردم است و آن عبارت از این است که شخص بتواند آزادانه به کار دلخواه خود بپردازد و دولت یا اشخاص نتوانند مانع او شوند. «هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت بخش برای کار خواستار شود و در برابر بیکاری مورد حمایت قرار گیرد» (طباطبایی مؤتمن، ۱۳۸۸: ۱۵۸). بنابراین هر فرد به فراخور شرایط اجتماعی سرزمین خود در انتخاب شغل آزاد است، مشروط بر اینکه نامشروع و غیرقانونی نباشد. ملک‌الشعرا نسبت به وجود فقر و بیکاری انتقاد شدید داشت و آن را نتیجه عدم توازن اقتصادی ناشی از بیکاری می‌دانست.

خلق یکسر فقیر و درویشند
همه در فکر چاره خویشند

یک طرف مالیات قند و شکر
یک طرف مالیات‌های دگر
بدتر از این نظام اجباری
کرده ترویج شغل و بیگاری
بجز از چند تن امیر و وزیر
باقی خلق مفلسند و فقیر

(بهار، ۱۳۶۸: ۲ / ۸۷۵)

آزادی علم آموزی: «در روزگاران گذشته در بسیاری از کشورها، حق آموزش و تعلیم در انحصار طبقات خاص و ممتاز بود. از مصادیق آزادی آموزش و پرورش که در حقوق فردی شهروندی در کشورهای مغرب زمین مورد توجه واقع شده است، آزادی تأسیس مدرسه، آزادی انتخاب مؤسسه آموزشی و حتی آزادی محتوای آموزش و پرورش است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در بند سوم از اصل سوم آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای تمام شهروندان در تمام سطوح را مقرر نموده است. همچنین تسهیل و تعمیم آموزش عالی در سرلوحه اقدامات دولت قرار داده شده است. همچنین در اصل سی‌ام قانون اساسی دولت مکلف شده است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت را تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد» (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴). ملک‌الشعرا ضمن اینکه حق تحصیل را برای همه اقشار از زن و مرد لازم می‌دانست، با توجه به محرومیت‌های اجتماعی دوره قاجار و توجه دوره پهلوی به آموزش همگانی، عدالت آموزشی و تأسیس مدارس که از خواسته‌های مدنی است، می‌گوید:

یک روز بود چند دبستان به چند شهر
امروز شهر و قریه به تحصیل همسر است

(بهار، ۱۳۹۴: ۱ / ۶۰۸)

۱.۲. عدالت

همه شهروندان از کرامت انسانی و حقوق قانونی به نحو یکسان بهره‌مند هستند. بنابراین عدالت مهم‌ترین رکن یک جامعه مطلوب است. عدل و دادگری یکی از مباحث بسیار مهم در آثار ادبی ایرانیان است؛ به طوری که یک باب از بوستان سعدی در این مورد است.

الا تا نیچی سر از عدل و رای
که مردم ز دستت نیچند پای

(سعدی، ۱۳۶۹: ۲۱۸)

در ماهیت و فواید عدل و داد در متون دینی نیز فراوان اشاره شده است. حکومتی که اساس آن بر عدالت باشد در برابر هجوم و حوادث محکم می‌ایستد.

هر ملک را که داد بود بنیاد
دیر ایستد چو کوه به ستواری

وان ملک را که ظلم بود بنیان زود افتد به مسکنت و خواری

(بهار، ۱۳۹۴: ۳۷۲/۱)

عدل کن عدل که گفتند حکیمان جهان مملکت بی‌مدد عدل نماند بر جای

(بهار، ۱۳۶۸: ۱۲۶۷/۲)

بهار بر این باور بود که عدالت و دادگری ضمن آنکه از خواسته‌های مدنی است، جزو اصول مملکت‌داری نیز به‌شمار می‌رود. «در نظر بهار، عدالت‌ورزی پایه و اساس حکومت و مملکت‌داری و ظلم و بی‌عدالتی عامل فساد و تباهی حکومت است. از دیدگاه او عنایات خداوند شامل حال پادشاه عادل است و عدالت‌ورزی لازمه جهان‌داری و شهریاری است» (رحمان مشتاق، ۱۳۸۷: ۱۱۰). ملک‌الشعرا تأکید می‌کند عدالت و دادگری سبب جاودانگی و نام نیک برای حاکمیت و حکومت می‌باشد، در غیر این صورت سقوط حکومت امری اجتناب‌ناپذیر است.

ز داد و دهش جاودانی شوی جز این گر کنی زود فانی شوی

(بهار، ۱۳۶۸: ۱۱۲۷/۱)

ملک در حقیقت نغز و رستیه او عدل ریشه قوی دار کز درخت چنی بر

شاه کجا سوی عدل و دادگر گراید باز گراید بدو عنایت داور

عدل و سخا و توان و دانش بگزین تا که جهانت شود دو رویه مسخر

(بهار، ۱۳۹۴: ۴۳۰/۱)

بهار، فرموده پیامبر (ص) که حکومت با کفر باقی می‌ماند ولی با ظلم دوام نمی‌آورد را این‌گونه به نظم می‌آورد:

گوید المُلکُ لَیَدُومُ مَعَ الظلمِ آن که خدایش بسی ستوده ز هر در

(همان: ۱۰۳/۱)

حکومتی که آراسته به انصاف، دادگری و قوانین باشد و خواسته‌های مدنی را ادا کند در میان ممالک جهان چون ستاره‌ای تابان می‌درخشد و سربلند و پیشرفته خواهد بود.

ملکی کاو راست عدل و قانون در دست سر بفرزد همی به برج دو پیکر

(همان: ۱۰۱/۱)

دادگری یکی از اصول مهم در تدوین حقوق شهروندان شمرده می‌شود. شهروندان با توجه به رعایت حقوق، به منافع خود می‌رسند.

کارها گر ز روی داد بود همه کس نیکبخت و شاد بود

(بهار، ۱۳۶۸: ۸۳۶/۲)

بی‌شک یکی از نشانه‌های عدالت و دادگری اجرای عادلانه قوانین برای تمامی مردم است. هیچ‌کس نباید در برابر قوانین مستثنی باشد. اگر در جامعه‌ای قانون به هر وسیله‌ای زیر پا گذاشته شود، چنین جامعه‌ای با سرعت به سمت زوال می‌رود. شرط به‌کار بستن حقوق شهروندی، برابری همگان در برابر قوانین می‌باشد.

رقم قتل از زبان قلم بر نگردهد مگر به قوت و زر
هست قانون نوشته بهر عوام که همه بی‌کسند و بی‌یاور

(بهار، ۱۳۶۸: ۱۲۳۵/۲)

یکی دیگر از نشانه‌های عدالت در هر کشور، توزیع عادلانه امکانات و ثروت در سراسر مملکت است؛ به‌گونه‌ای که همه اشخاص اعم از مرد و زن، پیر و جوان از این منافع برخوردار باشند. بهار در سال ۱۳۰۸ خطاب به رضاخان هشدار می‌دهد:

یک نفر از پرخوری کند قی و پیشش ضعف نموده است صد هزار گرسنه

(بهار، ۱۳۹۴: ۴۵۸/۱)

بهار درد بی‌عدالتی و نابرابری را می‌دانست و از عدم رعایت این خواسته و حقوق شهروندی بین مردم شکوه داشت و پیوسته در مبارزه با تبعیض رضاخانی بود.

بلدی خانه مردم را کرده است خواب نصف این شهر پر است از سَقَط و از آوار
طفل کاسب را جبراً به نظامی گیرند لیک اشراف معافند ز حکم اجبار
لندر این حلت حبس و کتک و نظمیّه شده بر این همه بار کج سنگین بار

(همان: ۴۲۲/۱)

بهار معتقد بود اگر ناعدالتی از میان نرود ممکن است در اعتقادات مردم نیز خلل وارد شود که این امر وظیفه حاکمان را در جهت رفع بی‌عدالتی و تبعیض دوصد چندان می‌کند.

گویند سیم و زر به گدایان خدا نداد جان پدر بگوی بدانم چرا نداد؟
جان پدر بگوی بدانم خدا نبود دیشب که نان نسیه به ما نانا نداد

دایم به قهوه خله سماور صدا دهد
 یک بار هم سماور بابا صدا نداد
 بقال بی‌مروت امر آن میوه‌ها به من
 یک آلوی کفک زده کم بهها نداد
 نزدیک نانوا سرپا بودم و کسی
 یک لقمه نان به دست من ناشتا نداد
 گفتمش پدر خموش که ایزد به ما و تو
 در کار خود اجازه چون و چرا نداد
 (همان: ۱ / ۳۸۳)

اگر در کشوری قانون مبتنی بر عدل و شایستگی تدوین شود و حقوق شهروندان اعم از خرد و کلان در آن دیده شود، کسی بیش از حد فقیر یا غنی نخواهد شد و افراد براساس شایستگی خود از حقوق مدنی بهره خواهند برد.

اگر این نظم شود در همه عالم جاری
 نه تنی فربه بینی نه وجودی لاغر
 نه یکی منعم بر خیل فقیران سالار
 نه یکی نادان بر مردم دانا سرور
 (همان: ۱ / ۶۳۹)

بهار از بی‌عدالتی فقر و تبعیض می‌نالد و در مسمطی تحت عنوان «شب زمستان»، از فاصله طبقاتی متأثر است:

در زمستان سالخورده زار و حزین
 بر در دولت سرایت سوده زانو بر زمین
 چند طفل یخ زده با مادری لندوهگین
 دست‌های سردشان در خاکروبه ریزه چین
 تو به شهرت خفته در مشکوی خویش
 از تو برگرداند ایزد روی خویش
 (بهار، ۱۳۶۸: ۲ / ۳۳۹)

۱.۳. حقوق زنان

در میان شاعران عصر مشروطه سهم ملک‌الشعرا بهار در دفاع از حقوق زنان بیش از همه است. ایشان در میان اشعارش بارها درباره این قشر و مسائل مربوط به آنان سخن‌ساز کرده است. نخستین سروده وی درباره زنان قصیده‌ای است با عنوان «زن شعر خداست» در وصف زن خوب، نکوهش چندهمسری و رفع حجاب می‌باشد. بهار شأن و ارزش زنان را بالاتر از نقش معشوقه می‌دید. به نظر می‌رسد شاعر آزادی‌خواه، نسبت به امور زنان جانب احتیاط را پی می‌گیرد. در مقام ملک‌الشعرای آستان قدس، نشان می‌دهد که در نگاه به زنان بی‌تأثیر از باورهای دینی، فرهنگی و اعتقادی گذشته خود نیست. براساس این نگاه سنتی، دیدگاه بهار نسبت به شخصیت و حقوق زنان همان نگاهی است که پیشینیان او داشته‌اند و در عصر او هم رواج داشت. از این‌رو برخی از صفات زنان رایج در متون ادب فارسی از نظر شاعر دور نماند و به آن‌ها پرداخته است؛ و براساس دیدگاه نوین و مدرن، حقوقی نظیر حق رأی، آموزش و مشارکت اجتماعی را برای زنان

قائل می‌شود که سنت‌گرایان با آن مخالف بودند. ملک‌الشعرا نسبت به زیاده‌روی‌های دیدگاه‌ها نسبت به مسئله زنان انتقاد داشت. از سوئی نادانی و جهل ناشی از نگاه سخت‌گیرانه سنتی را نکوهش می‌کرد و از سوئی دیگر بی‌بندوباری، ولنگاری، بداخلاقی و بدکرداری زنان ناشی از نگاه مدرن را مورد سرزنش قرار می‌داد.

۱،۳،۱. علم‌آموزی و مبارزه با جهل

بهار، جهل و نادانی را چون پرده و مانعی برای رشد فکری و شخصیتی زنان و بروز استعدادها و توانایی‌های آنان می‌داند. بنابراین راز رشد زنان را در از بین بردن جهل و نادانی می‌داند:

زنانی که به جهل در حجابند ز آداب و هنر، بهره نیابد

(بهار، ۱۳۶۸: ۱ / ۷۶۲)

ملک‌الشعرا تأکید می‌کند که زنان باید از فضای جادویی و خرافه‌پرستی دوری کنند و به کسب دانش روی آورند و هم چون مردان باید آزادانه از نعمت علم‌آموزی برخوردار شوند. بهار کسب علم و هنر را لازمه رشد زنان و جزو حقوق آنان تلقی می‌کند و معتقد است زنی که از علم برخوردار نباشد از پیشرفت‌های جامعه جهانی بی‌خبر خواهد ماند و در جهل و نادانی خود غرق خواهد شد.

زنی که به جهان هنر ندارد ز حسن بشری خبر ندارد

(همان: ۱/۱۵۰)

بهار فراگیری دانش و هنر را تنها راه رهایی و رسیدن بانوان به حقوق از دست رفته خود می‌پندارد و نیز پویایی و پیشرفت یک جامعه را در سایه مادران قدرتمند، اندیشمند و شایسته امکان‌پذیر می‌داند.

سوی علم و هنر بشتاب و کن شکر که در این دوره والایی‌ای زن

به کار علم و عفت کوش امروز که مام فردایی‌ای زن

(بهار، ۱۳۶۸: ۱ / ۷۲۱)

۱،۳،۲. مخالفت با چند همسری

به یقین زن مظهر عشق و دلیل پایداری زندگی مشترک است. ملک‌الشعرا زن را مظهر جمال و عشق می‌داند و بر این باور است که طبیعت نیز عشق را از زن آموخته است. عشق و دوست‌داشتن بدون نقش زن، معنا نمی‌یابد و حضور او کانون خانواده را به بهشت تبدیل می‌کند.

طبیعت جذبۀ عشق از تو آموخت که تو خود عشق را مبنائی‌ای زن

طبايع گاه لطف و گاه قهرند تو لطف از فرق سر تا پائی‌ای زن
بهشت واقعی جائی است کز مهر تو با فرزندگان آن جائی‌ای زن

(همان: ۱ / ۵۷۱)

بهار با چندزنی برای یک مرد مخالف بود و به مردان توصیه می‌کند که بیش از یک زن اختیار نکنند تا دچار فتنه و درگیری میان زنان نشوند.

زن یکی بیش مبر زانکه بود فتنه و شر فتنه آن به که اطراف تو کمتر باشد

(همان: ۱ / ۴۱۱)

همچنین چندهمسری را در صورت عدم رعایت عدالت، ظلمی در حق زن شمرده است و آن را سبب به وجود آمدن حسادت و دشمنی میان زنان و فرزندان می‌داند.

زن یکی، مرد یکی خالق و معبود یکی هر یک از این سه دو شد مهره به شش در باشد
می‌شوند آلت حرص و حسد و کینه و کذب نسل‌ها چون به یکی خانه دو مادر باشد
ریشه تربیت و اصل و فضیلت مهر است مهر کی با حسد و کینه برابر باشد
گر شنیدی که برادر به برادر خصمست یا که خواهر به جهان دشمن خواهر باشد
علت واقعی آن است که گفتم ورنه کی برادر به جهان خصم برادر باشد

(همان: ۱ / ۴۶۰)

یکی از دلایل مهم و اساسی مخالفت بهار با چندزنی عدم رعایت و انصاف مورد تأکید قرآن و پیامبر (ص) در این خصوص است. او این مرتبه از احسان، انصاف و عدالت را تنها مخصوص پیامبر (ص) می‌داند و بر این عقیده است که مردان دیگر از انجام آن عاجزند.

زن شیرین به مذاق دل ارباب کمال گرچه قند است نباید که مکرر باشد
کی توان داد میان دو زن انصاف درست کاین چنین مرتبه مخصوص پیامبر باشد

(همان: ۱ / ۴۱۱)

بنابراین بهار اختیار کردن چند همسر توسط مردان را به سبب مسایل پس از آن، نوعی بی‌خردی می‌داند.

زن خائن تبه و مرد دو زن بی خرد است وانکه دارد دو خدا مشرک و کافر باشد

(همان: ۱/۴۱۱)

۱،۳،۴. حقوق زنان در مقام مادر

بهار تربیت مادران را سبب شقاوت یا سعادت بشری می‌داند؛ چراکه از دامان مادران مردمان نیک‌سیرت، فرشته‌خوی و بهشتی و یا مردمان اهریمنی، زشت‌خوی و جهنمی رشد می‌یابند. لذا نقش تربیتی زنان در قالب مقام مادری جلوه می‌کند و اساس و ستون حیات بشری را تشکیل می‌دهد.

سازند ز موم گونه‌گون پیکر	اطفال به دست مادران مومند
گه کژدم و مار و ناوک و خنجر	گاهی گل و سرو و بلبل و طاوس
گه اهرمنی قبیح و هول‌آور	گه آدمیئی فریشته صورت
آسایش خُلد و نَقمت آذر	در دامن مادر است پنداری
هستند دو مام خوب و بدگوهر	رضوان بهشت و مالک دوزخ
بر این دو حواله داد پیغمبر	زانرو شقی و سعید امت را

(بهار، ۱۳۹۴: ۱/۵۳۱)

بهار، اشعاری در مورد حفظ حقوق مادران و فداکاری آنان برای فرزندان دارد که از جمله معروف‌ترین آن‌ها داستان «دل مادر» است. اصل این داستان از مجمع الامثال گرفته شده است. شاعر در پایان شعر، فرزند را به حفظ حقوق مادر و نیازدن قلب او توصیه می‌کند و در مورد عشق بی‌بدیل مادر نسبت به فرزند چنین می‌گوید:

ای پسر مادر خود را میازار	بیش از او هیچ که را دوست‌مدار
تو چه دانی که چها در دل اوست	او تو را تا به کجا دارد دوست
نیست از عشق فزونتر مهری	آن که بسته است به موی و چهری
عشق از وصل بکاهد باری	کم شود از غمی و آزادی
لیکن آن مهر که مادر دارد	سایه کی از سر ما بردارد

(بهار، ۱۳۶۸: ۲/۱۰۰۹)

۲. نقش حقوق شهروندی در گردشگری فرهنگی

صنعت گردشگری به دلیل مزایای ویژه‌ای که از جهات گوناگون برای جامعه میزبان گردشگران دارد، امروزه از اهمیت بسیاری برخوردار شده و توجه اغلب دولت‌ها و ملت‌ها را به خود جلب کرده است. صنعت گردشگری از جنبه‌های گوناگون قابل طبقه‌بندی است که گردشگری فرهنگی یکی از مهم‌ترین گونه‌های آن محسوب شده و عامل عرضه فرهنگ و تعامل فرهنگی بین ملل و جوامع گوناگون است؛ لذا بهره‌برداری صحیح از این تعامل فرهنگی می‌تواند زمینه‌های تقویت هویت و فرهنگ ملت‌ها را فراهم کند. کشور ایران به لحاظ فرهنگی و تاریخی دارای سابقه غنی و پربراری است و در حوزه فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی از مزیت‌ها و ویژگی‌های لازم در خصوص گردشگری فرهنگی برخوردار است. ایران در حوزه شاخص‌های هویت فرهنگی و در ابعاد مختلف فرهنگی-میراثی، خرده‌فرهنگ‌ها، تاریخی-فرهنگی، دینی-مذهبی و... از قابلیت‌های فراوانی برای جذب گردشگر و توسعه گردشگری فرهنگی برخوردار است که علاوه بر مزایای اقتصادی قابل توجه برای کشور، می‌تواند عامل مهمی برای معرفی و نشر فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی در مقیاس بین‌المللی باشد (بیضایی و صداقتی، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

ارزش‌ها در قالب مسئولیت‌های اخلاقی از مرزهای ملی فراتر رفته و در صنعت گردشگری موجب گردیده تا سازمان جهانی به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی گردشگری در دنیا، تدوین کدهای اخلاق گردشگری را در دستور **unwto** گردشگری و آن را بخشی از حقوق شهروندی قرار دهد. یکی از مهم‌ترین موضوعات در این کدها، احترام به فرهنگ و اعتقادات کشور میزبان است. سعدی ادیب بزرگ ایرانی این منشور اخلاقی و سخنان و تجربیات ارزشمند را، هفتصد سال پیش و در زمانی بیان کرده که هیچ کدام از سازمان‌های امروزی که حامی گردشگری هستند وجود نداشته است (خادم شیرازی، ۱۳۹۷: ۱). امروزه حوزه‌های نوینی در هزاره سوم با توجه به روند جهانی شدن باز شده و نوعاً باعث شده است منابع جدید درآمدی در اختیار دولت‌ها قرار گیرد، بدون تردید یکی از این حوزه‌ها صنعت توریسم و گردشگری است. توسعه این صنعت تا بتواند به شکوفایی پایدار برسد نیازمند وجود زیرساخت‌های (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) می‌باشد که بتواند جذابیت را به این صنعت ببخشد. یکی از این حوزه‌ها در بخش نرم‌افزاری وجود قوانین حمایتی توریسم و گردشگری با ضمانت اجرای واقعی است که ظرفیت مکانیسم‌های حقوق شهروندی در ایران می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش این امر باشد.

نتیجه‌گیری

درون‌مایه ادبیات و آثار ادبی براساس مفاهیم حقوق شهروندی را باید از دوره مشروطه جست‌وجو کرد. البته مفاهیمی چون عدالت، مهرورزی، ظلم‌ستیزی و چگونگی رفتار حاکمیت با رعیت از مصادیق کهن حقوق شهروندی است که در ادبیات قبل از مشروطه نیز کم و بیش دیده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ملک‌الشعرا بهار با منشور حقوق شهروندی آشنایی داشته است و اندیشه‌های او که در اشعارش بروز می‌یابند بیان می‌کند که شاعر همواره دغدغه دست

یابی شهروندان به حقوق خود را داشته است و بیش از پیشینیان به مقوله‌های مختلف حقوق مدنی از جمله حق آزادی و انتخاب پرداخته است. قانون و قانون‌گرایی از درون مایه‌های اصلی شعر بهار است. وی معتقد است نهادینه کردن حقوق ملت و اجرای آن نیاز به تدوین، تصویب و اجرایی کردن قوانین دارد. هم‌چنین بهار، قانون را زینت ملک و کشورداری و از عوامل مهم کوتاه‌کردن دست متجاوزان و ستم‌گران نسبت به حقوق مدنی و شهروندی می‌داند. و باور دارد قانون اساسی و تفسیر آن باید به نفع عموم مردم باشد زیرا یکی از آثار ممتاز رعایت قانون، حفظ حقوق عامه، ترویج عدالت و ایجاد نظم و انضباط اجتماعی میان مردم است. عدالت‌محوری از حقوق اساسی مدنی است که بهار در اشعار خود به آن پرداخته است. ملک‌الشعرا بی‌توجهی به عدالت را سبب رواج ظلم و ایجاد فاصله طبقاتی میان مردم و در نتیجه عدم استقرار حقوق مدنی می‌داند. بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق مدنی و اشعار محمدتقی بهار، آزادی و مباحث مربوط به آن است. شاعر همواره تأکید می‌کند که آزادی نباید نامحدود و باعث سلب حقوق دیگران باشد. آزادی در شعر بهار به مفهوم مشارکت و تن‌دادن به قراردادهای اجتماعی است. مفهومی که در آن حاکمیت، قدرت مشروع خود را از مردم می‌گیرد و نمی‌تواند قدرت مطلقه سیاسی باشد. بهار همانند دیگر شعرای عصر مشروطه ستایشگر آزادی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و آزادی مطبوعات است. بیان خواسته‌های مدنی از نشانه‌های مهم آزادی در جامعه و هم‌چنین از نشانه‌های استقلال سیاسی یک کشور می‌باشد که در اشعار بهار نیز نمود چشم‌گیری دارد. در پایان باید گفت از اشعار محمدتقی ملک‌الشعرا بهار، شاعر آزادی‌خواه تا همیشه آوای عدالت‌طلبی و حق‌جویی به گوش می‌رسد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۷). یا مرگ یا تجدد، دفتری از شعر و ادب مشروطه، تهران: اختران.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۹). از صبا تا نیما، ج. ۲، تهران: زوآر
- آقابخشی، علی. (۱۳۸۱). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- اکبری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). نگاهی به حقوق شهروندی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۸). دیوان اشعار بهار، چ. چهارم، تهران: طوس.
- بهار، چه‌زاد. (۱۳۹۴). دیوان اشعار بهار، چ. دوم، تهران: طوس.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۸۶). «بهار، سنت، تجدد»، مجموعه مقالات یادى دوباره از بهار، به کوشش سعید بزرگ بیگدلی، چ. نخست، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حائری، هادی. (۱۳۷۵). یکصدمین سالگرد میلاد بهار، تهران: حدیث.
- خارابی، فاروق. (۱۳۸۰). سیاست و اجتماع در عصر مشروطه، چ. اول، تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی‌پور، آرزو. (۱۳۸۸). مجموعه کامل قوانین و مقررات شهروندی، چ. چهارم، تهران: سپهر ادب.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). با کاروان حله، چ. دوازدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۵). کلیات، تصحیح محمد فروغی، تهران: هرمس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). ادوار شعر فارسی، چ. دوم، تهران: سخن.
- طباطبایی مؤتمن، منوچهر. (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چ. چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). مقدمه علوم حقوق، چ. اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- معین، محمد. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی، ج. ۱، چ. شانزدهم، تهران: امیرکبیر.
- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۷). حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، چ. اول، تهران: دادگستر.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر، چ. اول، تهران: اطلاعات.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۷). «مقام بهار»، به اهتمام میلاد عظیمی، من زبان وطن خویشم (نقد و تحلیل و گزیده اشعار ملک‌الشعرا بهار)، چ. نخست، تهران: سخن.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). چون سبوی تشنه، تهران: جامی.

یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران: علمی و فرهنگی.

مقالات

احمدی طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی ایران»، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸، ۱.

بیضایی، میترا؛ صداقتی، عاطفه. (۱۳۹۶). «ارائه شاخص‌های هویت فرهنگی ایرانی-اسلامی منطبق با انواع گردشگری فرهنگی و با ملاحظه عامل پایداری گردشگری». میراث و گردشگری. دوره ۲، ش ۷، ۱۳۱-۱۱۱.

خادم شیرازی، زهرا. (۱۳۹۷). «حقوق شهروندی با رویکرد معنوی اندیشه‌های گردشگری سعدی». دومین کنفرانس بین‌المللی گردشگری، فرهنگ و هنر.

صالحیان، تاج‌الدین. (۱۳۹۰). «حقوق شهروندی»، شماره ۲۶۲، سایت نشریه طنین غرب.

علی دوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). «فقه و مقاصد شریعت»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۴۱.

مشتاق، رحمان. (۱۳۸۷). «عدالت‌خواهی و قانون‌گرایی در شعر بهار»، مجله دانشکده ادبیات سمنان.

مصفا، مظاهر و عباس سعادت. (۱۳۹۲). «تحلیل بسامدی علم و دانش در شعر شعرای برجسته دوره مشروطه»، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره هجده، ۲۲-۱.